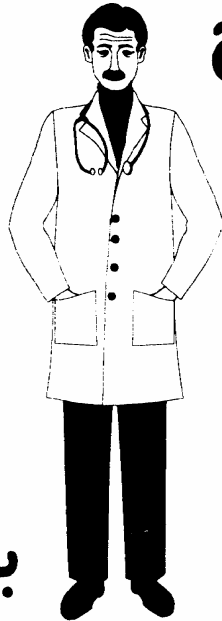


دکتر بهنام اسماعیلی
کارشناس امور دارو

ارتباط صحیح







با بیمار

گروه دوم تا حد قابل توجهی موفقیت آمیزتر از گروه اول بود. این دو پزشک یک عارضه جانبی شناخته شده و از پیش تعیین شده را به داروی بیماران خود افزودند و نشان دادند که دید مثبت نسبت به عوارض زیانبار داروها حتی می‌تواند بر روند درمان اثرات مثبتی برجای گذارد. متأسفانه بیشتر اطلاعاتی که در مورد داروها توسط پزشک یا داروساز به بیمار داده می‌شود اساساً در مورد جنبه‌های منفی دارودرمانی آنان است. به بیماران هشدار داده می‌شود که با مصرف دارو ممکن است اتفاقات ناگواری در انتظار آنان باشد به خصوص اگر مقادیر صحیح مصرف را در فواصل زمانی معین مصرف نکرده یا به طور صحیح نگهداری نکنند. بسیاری مواقع نتایج عدم رعایت

چند سال قبل دو پزشک آمریکایی طی آزمونی به این مهم پرداختند که آیا در بیمارانی که به دارو درمانی پاسخ می‌دهند، علاوه بر داروی تجویز شده، نحوه معرفی دارو نیز مؤثر است یا خیر؟ بدین منظور به اجزاء تشکیل دهنده یک داروی بسیار پرمصرف مقدار اندکی از یک ماده تسهول‌زای ضعیف افزوده شد. بیماران به دو گروه تقسیم شدند. به گروه اول گفته شد که این قرصها بسیار خوب و مؤثرند ولی ممکن است با مصرف آنها کمی احساس ناراحتی و بیماری کنید. معرفی دارو به گروه دوم بدین ترتیب بود که این قرصها بسیار خوب و مؤثرند ولی اگر با مصرف آنها احساس بیماری و ناراحتی کردید بدانید که این علامت مؤثر بودن داروست. نتایج بالینی حاصل در

دستورات مصرف داروها برای بیمار توضیح داده نمی‌شود و لذا با بروز هرگونه عارضه‌ای بیمار نمی‌داند که این اثر داروست یا نتیجه سرپیچی وی از دستورات پزشک معالج. اغلب نیز مشخص نمی‌شود که سرپیچی از دستورات پزشک بروز عوارض جانبی و زیانباری را در پی خواهد داشت و یا بهبود بیمار را به تأخیر می‌اندازد؟

 **پزشک زمانی در برقراری ارتباط با بیمار خود موفق خواهد شد که به وی به عنوان یک انسان و نه یک مورد نیازمند تشخیص و اعمال درمانهای بالینی نگاه کند.....** 

 **دادن اطلاعات کافی و درگیر کردن بیماران در روند درمان، آنان را به صورت همراهانی آگاه درخواهد آورد که رمز موفقیت یا شکست درمان را در دست دارند.** 

بیمار همواره نسبت به نحوه مصرف داروی خود حساس است به خصوص این که اگر مصرف دارو را فراموش کرد چه اتفاقی خواهد افتاد.

در دهه‌های اخیر با افزایش سطح سواد و آگاهی در جامعه مردم نحوه ارتباط پزشک و بیمار نیز پویاتر و بهتر شده است اما این ارتباط مثلاً در زمینه مصرف دارو بیشتر بر این امر

متکی است که چگونه داروهای خود را مصرف کنند در حالی که به نظر می‌رسد بر جنبه بسیار مهم و ضروری ماهیت توصیه‌های پزشک و این که چرا باید به این دستورات و توصیه‌ها توجه کنند، چندان تأکید نمی‌شود. مثلاً برای بیماری که روزانه دوبار غذا می‌خورد دستور مصرف روزانه ۳ بار «پس از غذا» کمی مبهم است. آیا باید یک وعده غذا بیشتر مصرف کند و یا از مصرف یک وعده دارو صرف نظر کند. در صورتی که باید برای بیمار توضیح داده شود «پس از غذا» در واقع به معنی «عدم مصرف با معده خالی» است زیرا ممکن است با مصرف دارو با معده خالی، حالت تهوع به آنان دست داده و یا دارو در محل و زمان معین شروع به کار نکند. دادن اطلاعات کافی و درگیر کردن بیماران در روند درمان آنان را به صورت همراهانی آگاه درخواهد آورد که رمز موفقیت یا شکست درمان را در دست دارند.

پزشک زمانی در برقراری ارتباط با بیمار خود موفق خواهد شد که به وی به عنوان یک انسان و نه یک مورد (Case) نیازمند تشخیص و اعمال درمانهای بالینی نگاه کند. متأسفانه در داروخانه نیز هر بیمار به عنوان یک نسخه برای پیچیدن و نه به عنوان فردی نیازمند اطلاعات و مشارکت در روند درمان، شناخته می‌شود. دادن اطلاعات مناسب و یا تأکید بر جنبه‌های مثبت حداقل کاری است که جامعه پزشکی در ارتباط مستقیم با بیماران می‌تواند انجام دهد. بیایید بیمار را از صورت گیرنده غیرفعال خدمات حرفه‌ای پزشکی به همراهی فعال در روند درمان تبدیل کنیم.